

## بررسی فقهی و حقوقی عدالت جنسیتی در نظام حقوقی خانواده

مظفر فولادوند<sup>۱</sup>

۱. کارشناسی ارشد، رشته حقوق خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، استان مرکزی .

mzfrfwladwnd@gmail.com

### چکیده :

عدم اعمال تبعیض می‌تواند به برابری جنسیتی، یعنی تشابله طلبی میان کلیه حقوق و تکالیف زن و مرد در همه حیطه‌ها و به عدالت جنسیتی معنا شود. عدالت در تعریف مفهومی مطلق بوده. ولی در مصداق امری نسبی، و چون عدالت مفهومی فراگیر است شامل تمام امور سیاسی اجتماعی فرهنگی و حتی جنسیتی در حوزه‌ی زنان و مردان نیز می‌گردد. و عدالت جنسیتی امری بسیار مهم در خانواده محسوب می‌شود و دارای نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی می‌باشد. تا جایی که دیدگاه اسلامی گاهی در میان این نظرات مغفول مانده است و شناخت معیارهای دقیق آن نیاز به پژوهش گسترده‌ای دارد در این مقاله به بررسی فقهی حقوقی عدالت جنسیتی در نظام حقوقی خانواده پرداخته شده تا ضمن ارائه‌ی نظرات مختلف به دیدگاه اصیل دینی در این موضوع نزدیک شده و در مصادیق مادی و غیر مادی به بررسی برخی شبهات از منظر فقه و حقوق پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت جنسیتی، نظام خانواده، حقوق، تکالیف



بنابراین، معنای عدالت، همیشه اساسی‌ترین مفهوم در فلسفه اخلاق، دین، سیاست، حقوق، اجتماع و فقه اسلامی می‌باشد. درست بودن اعمال، روش زندگی فردی و اجتماعی، صحت رفتار و گفتار کارگزاران حکومت، حقوق و تکالیف افراد نسبت به هم و مناسبات فرد و دولت و ماهیت سیاست‌های اقتصادی و حقوقی و فرهنگی و اجتماعی دولت‌ها، سودبردن از «قدرت» و «ثروت» و «معرفت» و چگونگی توزیع آنها، کاملاً در ظلّ و ذیل مفهوم عدالت و داد قرار گرفته‌اند و عدل و قسط فضیلت پایه‌ای برای مابقی اصول و ارزش‌های والا و برتر است. [۱]

#### مقدمه:

مفهوم عدالت در مواضع گوناگون، با توجه به کاربردی که دارد معنا می‌گردد. در تعریف عدالت دیدگاه‌ها گوناگونی وجود دارد. بعضی شرایط و میزان استحقاق افراد را در نظر می‌گیرند و بعضی دیگر، به این مسئله معتقد هستند که همه افراد دارای شرایطی مساوی نیستند و به همین علت عدالت را توزیع امکانات در میان افراد کاملاً یکسان برمی‌شمارند [۲] اگر در تعریف عدالت، رویکرد استحقاقی را قبول کنیم، عدالت جنسیتی را پذیرا بوده‌ایم که به مفهوم رعایت تناسب زنان و مردان در دسترسی به تمام امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده است، به روشی که در حق هیچ کدام ستم و اجحافی نشود [۳]

مبحث عدالت جنسیتی، در نهادهای حقوقی و اجتماعی موضوعی می‌باشد که در عرصه تفویض به طور تکرار شده مورد توجه قرار گرفته، اما عملی سازی آن، با توجه به فرهنگ‌ها و فقدان پالایش مبانی آن، با چالش‌هایی روبرو بوده که نیاز دارد تبیینی درست متکی بر فرهنگ بومی و اسلامی داشته باشد. مستحکم بودن نهاد خانواده یکی از

یافتن عدالت و دست پیدا کردن به آن، از گذشته اصلی‌ترین دغدغه آدمیان و عمده‌ترین هدف شرایع و ادیان بوده است. قرآن کریم صریحاً «عدل و قسط» را یکی از مهم‌ترین مقاصد انبیاء الهی تشریح می‌کند و ارسال رسولان و فرستادن کتاب و میزان را به منظور اقامه دادگری اعلام می‌کند: «لیقوم الناس بالقسط»<sup>۱</sup>. در آیات زیادی «کتاب» عظمت عدالت و داد موج می‌زند و هشدار می‌دهد که: «... شاهدان عادل باشید. نبایستی دشمنی گروهی شما را به ستمگری و خروج از جاده مستقیم عدالت بکشاند. دادگر باشید که این به تقوا نزدیک‌تر است»<sup>۲</sup>. و تا کجا پرشکوه است طنین کلمات پیامبر اسلام (ص) که: «بالعدل قامت السموات و الارض»، «الْعَدْلُ» اساس دینی، والْعَدْلُ حَیَاتُ الْاِحْکَام، امرت لاعدل بَيْنَكُمْ، آمده‌ام تا پاسدار عدالت و فرمانبردار داد باشم» و تا باارزش و پرمعناست این کلام قدسی نبوی که فرمود: الملک یبقی مع الکفر، و لا یبقی مع الظلم».

۱- سوره حدیده آیه

۲-سوره مائده آیه ۸





### ۱-۲. عدالت جنسیتی:

در جامعه دو الگوی کلی از مفهوم عدالت جنسیتی برداشت می‌شود که هر یک اقتضائات متفاوتی را به همراه دارد. دو دیدگاه شاخص در این باب عبارت‌اند از:

گروه اول، در دیدگاه خود معتقد هستند که تفاوت در جنسیت زن و مرد موجب تفاوت در جایگاه اجتماعی آنها نخواهد شد، لذا عدالت جنسیتی یعنی تحقق برابر زن و مرد در فرصت‌ها و امکانات.

دیدگاه دوم: ضمن اعتقاد به هویت انسانی در دو جنس زن و مرد یکسان، تفاوت‌های جسمی و روانی آنها، جایگاه‌ها و وظایف متفاوت اجتماعی زن و مرد را سبب خواهد شد. [۸]

### ۱-۳. نظام خانواده:

در جوامع انسانی، خانواده یا فامیل به عده‌ای از افراد گفته شده که با همدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی، یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. خانواده در بیشتر جوامع، نهاد اصلی جامعه‌پذیری کودکان می‌باشد. سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای گفته می‌شود که باهم زندگی می‌کنند، درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند.

در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند» [۹] انسان شناسان به‌طور کلی نهاد خانواده را این‌طور طبقه‌بندی می‌کنند: مادرتباری (مادر و فرزندان او)، زناشویی (زن و شوهر، و فرزندان؛ که خانواده هسته‌ای نیز خوانده می‌شود)، و خانواده گسترده یا هم‌خونی که در آن پدر و

مادر و فرزندان با دیگران مثلاً خویشاوندان در مکان مشترکی زندگی می‌کنند [۱۰]

### ۱-۴. حقوق و تکالیف:

در نظام حقوقی، واژه حقوق، جمع حق می‌باشد و کاربردهای متفاوت و گوناگون دارد:

الف) «حقوق» به مجموع قواعد و مقررات الزامی گفته می‌شود که حاکم بر رابطه افراد جامعه و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی می‌باشد. حقوق در این معنا به عنوان حقوق ذاتی نیز می‌باشد. و از آنجائی که روابط اجتماعی، چهره‌های مختلف و متنوعی را دارا هست، حقوق یعنی قواعد و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی قلمرو گسترده‌ای پیدا می‌کند... واژه حقوق در این معنا همیشه به صورت جمع به کار می‌رود و مفرد ندارد.

ب) واژه حقوق در کاربرد دیگر، به امتیازات و اختیاراتی گفته می‌شود که افراد جامعه از آن برخوردارند، مانند حق مالکیت، آزادی، حق رای و ... حقوق در این مفهوم هم به صورت جمع و هم به صورت مفرد (حق) به کار می‌رود و گاهی از آن به حقوق فردی تعبیر می‌شود واژه حقوق در تعبیر حقوق و آزادیهای عمومی، حقوق ملت حقوق و تکالیف مردم و مانند آن به همین معناست.

۲- تکلیف در لغت فرمان به کاری دادن، حکم به اجرای امری کردن و زحمت دادن و از تصریح لغت شناسان عربی و فارسی استفاده می‌شود در معنای تکلیف دو عنصر نهفته است یکی بعث و وادار نمودن، دیگری مشقت و زحمت و در اصطلاح عبارت از انجام فعل یا ترک فعلی است که قانون گذار فرد را ملزم کرده است و هرگاه بر خلاف آن



۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه دیجیتال مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir



باب «جهاد» و «امر به معروف و نهی از منکر» به این موضوع پرداخته‌اند و هنگامی تحت عنوان: عدالت فردی یا عدالت شرعی و فقهی مطرح می‌گردد

استاد مغنیه در اهمیت عدالت قاضی می‌گوید: «عدالت یکی از شروط مهم است»<sup>۳</sup> آنگاه به سخن امام علی(ع) استناد می‌کند که به شریح قاضی گفت: «بدان ای شریح که بر کرسی قضاء، جز نبی، یا وصی نبی، و یا شقی تکیه نمی‌زند! و امام صادق (ع) فرمود: منصب قضا جر برای پیشوای عالم عادل نیست!» [۱۳]

## ۲-۲. راه‌های کشف عدالت

همانطور که شیخ انصاری (ره) در «رساله فی العداله» توضیح می‌دهد، طرق کشف یا اسباب ثبوت عدالت، علاوه بر حسن ظاهر (ظاهر مامون)، عبارتند از:

- شهادت دو شاهد عادل (مزکین)
- شیعاع و استفاضه
- مصاحبت مستمر (الاختبار بالصحبه، بتکرار المعاشره)

روشن است که: شروط و قیود، از جمله شرط «ملکه» دانستن عدالت، کار قاضی، یا انتخاب وصی و قیوم و شاهد و ... را دشوار می‌کند. بر همین اساس استاد مغنیه پس از بررسی‌های گسترده، همان نظر «علامه طباطبایی»، صاحب تفسیر المیزان را تایید می‌کند و پیچیدگی و صعوبت تعریف را از آن برمی‌گیرد و می‌گوید:

رفتار نماید به جزایی که در خور آن است، دچار می‌گردد [۱۱] به بیان دیگر کلیه الزامات قانون را می‌توان تکلیف نامید [۱۲] و الزامات قانون گاهی در قالب امر است، مثل اینکه خداوند امر فرموده است که باید مرد نفقه زن و همسرش را بدهد این یک تکلیف قانونی به عهده شوهر و یک حق قانونی برای زن است که در صورت خود داری از پرداخت می‌تواند شکایت نماید و گاهی تکلیف در قالب نهی است مثلاً خداوند فرموده است که نباید سرقت یا خیانت در امانت و یا کلاهبرداری کرد و اگر کسی مرتکب این قانون شکنی گردد مجازات می‌گردد این نهی ایجاد تکلیف می‌کند برای تحقق هر تکلیف، دست کم سه رکن اساسی لازم است.

## ۲-۲. مبانی نظری عدالت جنسیتی

### ۲-۱. مبانی فقهی عدالت

در فقه اسلامی مشهورترین تعریف عدالت: «مرتکب نشدن گناهان بزرگ و عدم اصرار بر گناهان کوچک» است. هرچند این تعریف در تحلیل نهایی، از تعریف معروف عدالت که: «اعطاء حق به ذیحق» یا «قراردادن شیء در مکان آن است»، دور نیفتاده [۱۳]، اما به دلیل فوریت و سرعت تصمیم‌گیری و پاسخ به امور روزمره مردم و گزینش ملاک روشن و ثابت و بدون ابهام و نیز به این دلیل که مبنای تعریف فقیهان در عرصه «فقه و حقوق»، آیات و روایات معصومین (ع) است، تعریف عدالت فقهی، چهره ویژه‌ای گرفته است. در فقه اسلامی، عدالت گاه با عنوان «قاعده عدالت»، زمانی با عنوان «انصاف و تنصیف»، در مواردی با عنوان قاعده «عدل و انصاف»، گاه در مقوله قیام برای عدالت، و شورش در جهت تحقق قسط و عدل و در نحوه برخورد با حاکمان و حکومت‌های ستمگر که ذیل

<sup>۳</sup> «وهی من أهمّ الشُّروط!»



۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir



«عدل عبارت است از نهادن حکم قانونی، یا موضوعی از موضوعات حقوقی در جای مناسب و شایسته خود، خواه در مقام وضع قانون باشد، یا در مقام تفسیر قانون باشد، و یا در مقام اجراء قانون (به وسیله دادگاه یا مراجع اداری) باشد» [۱۲]

### ۲-۳. مبانی حقوقی عدالت

از منظر حقوقی عدالت به مفهوم وضع هر چیز در جای مناسب و شایسته خود و هماهنگی انسان با جهان به کار می‌رود. از منظر آندرو هیوود عدالت اندیشه‌ای است که بر توزیع اخلاقاً توجیه پذیر پاداش‌ها یا کیفرها دلالت می‌نماید. از منظر وی عدالت در این معنا قابل تسری به هر چیز از جمله آزادی، حقوق، قدرت، ثروت و... می‌باشد. وی عدالت را در دو برداشت آیینی و ماهوی مورد مطالعه قرار می‌دهد. عدالت آیینی به نحوه دست یافتن به نتایج و قواعد حاکم بر رفتار و فعل و انفعالات انسانی اشاره می‌نماید، در حالی که عدالت ماهوی در ارتباط با محتوا و ماهیت نتایج به دست آمده از رفتار انسانی است. هیوود عدالت حقوقی را محدود به متناسب بودن مجازات‌ها و عقوبت‌های ناشی از نقض قانون و عدالت اجتماعی را توزیع توجیه پذیر مزایای مادی به ویژه ثروت، درآمد و فرصت‌های اجتماعی می‌داند [۱۵]

با توجه به آن چه تاکنون پیرامون مفهوم عدالت بیان گردید و در راستای دستیابی به تعریف مورد نظر از عدالت باید چند نکته را مد نظر قرار داد.

اولاً آن چه در همه تعاریف مطرح شده به وضوح مشاهده می‌گردد روح واحد حاکم بر همه مفاهیم عدالت است؛ در

«آنچه پس از تامل و ژرفکاوی در عرف و آیات و روایات و نظرات فقها برای ما حاصل شده این است که: عادل امین ملتزم به احکام دین است در عمل، نه در نظر. کسیکه دین به دنیا نمی‌فروشد... چه این التزام و اجتناب مبتنی بر ملکه باشد و چه مبتنی بر ملکه نباشد.» آنچه از مجموعه تعریف‌ها و نظرات فقها شیعه و سنی و اظهارات دانشمندان برمی‌آید، تعریف مشهور فقها از «عدالت فقهی» در عمل همان روش و روندی را بازگو می‌کند که سایر سیستم‌ها و نظام‌های حقوقی ارائه داده‌اند. در هر سیستم حقوقی هم، اطاعت از قوانین و مقررات و رعایت و اجرای اوامر و نواهی قانونی و وضع هر چیزی در جایگاه قانونی خود، عدالت شمرده می‌شود، گو اینکه قانون در اساس عادلانه نباشد، چرا که گریز و گزیری از این شیوه نیست، و چنین است که تعاریف مختلف عدالت در سیستم‌های گوناگون حقوقی و حتی گاه اخلاقی مشابه و همانندند. برای مثال: «برداشت لایب نیتس از عدالت به عنوان پاکی و وارستگی و پیوند آن با خرد، به ویژه در عدالت کلی تا اندازه‌ای با تعریفی که حقوقدانان مسلمان از آن به دست می‌دهند، همخوانی دارد» [۱۴]

یا در قرون وسطی و در تعبیر متکلمان و دانشمندان مسیحی، مانند سنت آگوستین، یا توماس آکویناس و پیروان آنها، «عدالت با قانون طبیعی و وحی الهی» توجیه می‌شد. به هر تقدیر حسن و قبح قانونی، یا حسن و قبح شرعی، یا تمسک به قوانین فطری و طبیعی، در اکثر نظام‌های حقوقی، نقش موثری در تعریف عدالت داشته است. بر همین اساس در تعریف حقوقی عدالت نیز نوشته اند:

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCI-conf.ir

MCI CONF. II

مشاهده است؛ جایی که ایشان می‌فرمایند: «کسانی که در حکومت من به سر بردند و سپس به امویان پیوستند عدل را دیدند و شنیدند و در جان خود جای دادند ولی آن را نپذیرفتند» (نهج البلاغه، نامه ۷۰).

### ۳- معیارهای اسلامی عدالت جنسیتی

در ماده ۱۰۱ قانون برنامه ششم توسعه، کلیه دستگاه‌های اجرائی موظفند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم (۱۰)، بیستم (۲۰) و بیست و یکم (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه- انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن با:

➤ سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه

➤ اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات بر اساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نماید.

بر اساس تبصره ۱ این ماده، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری موظف است ضمن ارزیابی و تطبیق سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های دستگاه‌ها و رصد مستمر ارتقای شاخص‌های وضعیت زنان و خانواده، گزارش آن را به طور سالانه به مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران ارائه نماید.

تبیین این عبارت می‌توان بیان نمود که اگرچه عدل یک مفهوم ارزشی است، اما در بستر هستی جاری است و حضور دارد. عدل در همه جهان جریان دارد، لیکن در مسائل ارزشی، مفهومی اعتباری است و در امور تکوینی، مفهومی حقیقی. پس می‌توان اذعان کرد عدل یک اصطلاح با بار «اشتراک لفظی» نیست. نمی‌توان گفت که عدل در کار خدا به معنایی خاص است و عدل انسانی به معنایی دیگر، همانگونه که نباید پنداشت عدل سیاسی و عدل اجتماعی دارای دو معنای متمایزند و نیز قابل قبول نیست که این اقسام دارای تباین و اختلاف مفهومی باشند. بنابراین عدل مشترک مفهومی و در همه این اقسام به یک معناست، گرچه دارای تفاوت مصداقی است و این تفاوت مصداقی هرگز با وحدت مفهومی ناسازگار نیست.

براین اساس می‌توان عدالت را در دو حوزه کلان و خرد مورد مطالعه قرار داد. عدالت در حوزه کلان به مفهومی اشاره می‌نماید که در همه حوزه‌های معرفتی مشترک می‌باشد در حالی که عدالت در مفهوم خرد تنها به بررسی مفهوم این اصطلاح در حوزه خاص مورد مطالعه می- پردازد. [۱۶]

ثانیاً عدالت مفهومی واقعی، ملموس و عینی است، هر چند در شمار معانی حسی قرار ندارد و دارای نشانه‌های محسوس نمی‌باشد. به بیان دقیق‌تر شناخت مفهوم عدل به این معنا نیست که در عالم خارج نمی‌توان عدل را از ظلم و جور بازشناسی نمود هرچند راه حق محدود به احساسات تجربی نیست، اما انسان می‌تواند طعم عدل را درک نماید، این مدعا در کلام نورانی امیرالمؤمنین(ع) در توصیف دوران حکومت‌داری خویش به وضوح قابل





ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCI-conf.ir

MCI CONF. IR

#### ۴-۲. جایگاه نفقه زوجه در تحقق عدالت

اقدامات اسلام برای برقراری عدالت از نگاه استاد مطهری بر دو نوع است. کار به عنوان وظیفه اجتماعی - انسانی به همراه ایجاد امکانات مساوی برای همگان زیربنای اصلی در جهت سالم سازی تلاش‌های جامعه بوده و در ارتباط با تعارض بین مصالح فرد و اجتماع، آن اصلی را که باید در همه حال در نظر داشت تا قوانین فرعی از آن استنباط شود، این است که مجموع دارایی‌های اجتماع متعلق به همه افراد بوده و مصلحت خاص افراد تنها با مراعات مصلحت عمومی اجتماعی قاب احترام می‌باشد و لذا در صورت تعارض بین مصالح فرد و اجتماع بدون هیچگونه تردیدی، مصالح جمع مقدم بر مصالح فرد می‌گردد. همچنین بر مبنای این اصل دیگر ارتباطات اجتماعی و نیز خانوادگی را می‌توان تحلیل و تبیین نمود. عدالت، معیار و پایه و اساس روابط انسانی، به ویژه روابط اقتصادی است و معیار حقانیت حقوق و قوانین را نیز به عادلانه بودن آن است. در فرایند تولید، توسعه، بازار کار و همچنین رشد اقتصادی هر جامعه، زنان نقش بسزایی ایفاء می‌کنند. به طوریکه هم نیازهای مربوط به خود و خانواده را برطرف می‌کنند و هم جامعه از خدمات و تخصص‌های آنان بهره‌مند می‌شود. از طرفی اسلام به زن استقلال مالی و آزادی کامل اقتصادی داده و نه تنها دست مرد را از اموال او کوتاه کرده، بلکه حق قیمومیت در معاملات زن را که سابقه تاریخی داشته از او گرفته، از طرف دیگر مسئولیت تام این مخارج خانواده را بر دوش مردان قرار داده است که حکمت این مسئله جانبداری از زن یا مرد نیست بلکه اسلام سعادت بشر را در نظر گرفته است. زنان از طرفی به

شود. فقه ای امامیه معمولاً نفقه را به معنای ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ۲ «تأمین غذا، لباس، مسکن، دارو، لوازم بهداشتی و ...» گرفته‌اند [۱۸]

ایران نیز با تأکید بر شیوه عرفی بودن تعیین نفقه، مصادیقی از آن را ذکر کرده است. وفق این ماده، «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.» بر اساس این ماده قانونی، اقتضائات عرفی هر جامعه بر تعیین میزان و کیفیت نفقه زوجه مؤثر است. به این مفهوم که شوهر باید سطح زندگی معمول افراد جامعه از جهات مختلف مانند خوراک، پوشاک و مسکن را مبنای تأمین نفقه همسر خود قرار دهد. همچنین شرط دیگر در تعیین میزان و کیفیت نفقه زوجه بنا بر ماده قانونی مذکور، توجه به وضعیت زن و تناسب نفقه با این وضعیت می‌باشد. این وضعیت بر دو اساس مشخص می‌شود. اول، شیوه‌های قبلی زندگی زن، مانند عادت به داشتن خادم قبل از ازدواج است، مگر آنکه زوجین به اختیار خویش در هنگام ازدواج، بر شکل دیگری از زندگی توافق کنند؛ دوم، حال زن از جهت وضعیت جسمانی، بعد از ازدواج است؛ یعنی اگر زن دچار عارضه جسمانی‌ای شود که قدرت انجام کارهای شخصی خود را نداشته باشد، مرد موظف است برای زن خدمتکاری استخدام نماید تا او را یاری رساند و این مورد نیز در این حالت خاص از مصادیق نفقه زوجه به شمار می‌رود.

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه مرکزی و اسنادخانه تخصصی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

بگیرد و هیچ کس جز به اذن و فرمان خداوند بر دیگری نفوذ و سلطه ندارد و نمی‌تواند امر حکومت و ولایت و سلطنت بر دیگران را بر عهده بگیرد (همان).

#### ۵- آثار عدالت جنسیتی در نظام حقوقی خانواده (بر اساس دیدگاه توازن)

##### ۵-۱. آثار فقهی

اعتقاد به اصل عدالت و رحمت الهی همواره اقتضا دارد که اهل دیانت و تقوا بر حجاب، عفاف و پاکدامنی زنان تأکید داشته به پاسداری از حریم خانواده همت ورزند، بر رعایت عدل و انصاف در قبال زنان و رعایت حقوق انسانی و اجتماعی آنها با تمسک به پیامبر رحمت و امامان معصوم که سراسر زندگی آنان حکایت از لطف به انسانها (بویژه کسانی که در معرض ستم قرار داشته اند) اصرار ورزند و قبل از ملل غرب برابر معیارهای دینی و قرآنی با تأسیس سازمانهای دفاع از حقوق زنان به احیای حقوق همه انسانها از جمله زنان اهمیت داده سازمانهای اجتماعی را در آن جهت پی ریزی کنند.

##### ۵-۲. حسن معاشرت در روابط خانواده

هر یک از زن و شوهر در برابر یکدیگر از حقوق متقابل و ویژه ای برخوردارند و تکالیفی دارند که از آن جمله حسن معاشرت می‌باشد و این تکلیف با صراحت کامل در آیه ۱۹ سوره نساء اینچنین بیان شده است:

عاشروهن بالمعروف «با زنان به شایستگی رفتار کنید.» امر به این موضوع خاستگاه اصولی دارد و اصل «مودت و رحمت» و «تشاوری و تراضی» و سایر اصول از این قبیل، مبانی این حکم می‌باشد.

تناسب جنسیت در حوزه‌های مادری، همسری و مدیریت خانه، نقش بسزائی دارند.

#### ۴-۳. مصادیق غیر مالی: ولایت

امروزه در جهان اسلام نمونه‌های فراوانی از مشارکت زنان در مدیریت کلان اجرایی وجود دارد. در بسیاری از کشورهای اسلامی مشارکت گسترده زنان در مجالس قانون گذاری (پارلمان) و ریاست ادارات به چشم می‌خورد، در مدارس و دانشگاه‌ها به تدریس و در بیمارستان‌ها به درمان بیماران اشتغال دارند، عهده دار مسئولیت‌هایی در سفارت خانه‌ها و نیز امور قضایی و امنیتی هستند؛ در روزنامه گاری، تبلیغات، سینما و تئاتر فعالیت می‌کنند و خلاصه در کارهای تبلیغی، سیاسی، فنی، علمی، ورزشی و دیپلماتیک حضور گسترده ای دارند [۱۹]

در این زمینه دیدگاه‌های فقهی متفاوتی وجود دارد:

۱. برخی فقیهان طرفدار سلب مطلق هستند (زن را به کلی از ورود در کارهای اجتماعی منع می‌کنند).
۲. برخی نیز قائل به ایجاب مطلق هستند (میان زن و مرد در انجام کارهای اجتماعی هیچ تفاوتی قائل نیستند و زن را در انجام هر کاری آزاد می‌دانند).
۳. بیشتر فقیهان معاصر در مراتب ولایت، تفصیل قائل شده‌اند.

ولایت، حکومت، قضاوت و دیگر منصب‌هایی که به انسان حق تصرف در زندگانی دیگران را می‌دهد باید به اذن خداوند باشد؛ زیرا اولین شرط در نافذ بودن ولایت یک نفر بر دیگری این است که بتواند جلوی خواست و اراده او را

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCI-conf.ir

MCI CONF. II

این فرهنگ قرآنی، خطاب به کسانی است که با عدم توافق اخلاقی، عاطفی یا مسائل دیگری که با همسرانشان دارند، روی به طلاق می‌آورند و در راه سازش شکیبایی نیستند و گسستگی را بر پیوستگی ترجیح می‌دهند.

#### ۴-۵. قوامیت (ریاست) مرد بر زن و محدوده آن

از عمده ترین موضوعاتی که در حقوق غیر مالی زن مطرح است، ریاست مرد و حدود و اختیارات اوست. کسانی که در قلمرو باورهای اسلامی، به مطالعه جایگاه زن و مرد در نظام خانواده و جامعه پرداخته و در نهایت به داوری روشن و صریحی دست یافته‌اند، یکی از مستندات ایشان یا آیاتی که ناگزیر بوده‌اند بدان بپردازند آیه ۳۴ سوره نساء است که می‌فرماید:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم...» اهمیت این موضوع بدین جهت است که تاریخ در همه جای جغرافیای انسانی خود از دیر باز تاکنون، خاطره‌های تلخی را از ستم ورزی مردان به زنان یاد دارد. همچنین جریان وضع و جعل روایات دروغین و اسرائیلی در نکوهش و کاستی زن و نیز راه یابی برداشت‌های نادرست از این آیه و آیه‌هایی مانند آن به منابع دینی ما واقعیتی انکار ناپذیر می‌باشد که همچون وصله‌ای بر دامن پاک اسلام وارد شده است. از همین رو بررسی دقیق و مفاهیم این آیه در پرتو آیات دیگر قرآن و سیاق پیرامون آن مبین حمایت اسلام از حقوق زن و برابری او با مرد است. برداشت‌های نادرست و بد فهمی‌ها، زمینه ساز اتهاماتی چون مرد سالارانه بودن و عادلانه نبودن، بر اسلام و قرآن شده است، همچنین گفته می‌شود که ناسازگاری قوامیت مرد بر زن و تجویز ضرب که

همان‌طور که صاحب تفسیر المنار، در این باره می‌گوید:

«در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند» [۲۰]

واژه معروف که مکرراً در قرآن آمده است و ۱۹ مورد آن به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانواده پرداخته، معنایی ژرف تر و گسترده‌تر از قانونمندی و عدل‌گرایی دارد و چنانکه شامل حق قانونی و عادلانه می‌شود، کارهای ارزشی، اخلاقی و انسانی را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی رفتاری افزون بر حق و عدل که نوعی نیکوکاری و شایسته ارزشهای متعالی انسانی است. به تعبیر دیگر از تکلیف‌های واجب گامی فراتر نهادن و به مستحبات نیز عمل کردن است

#### ۳-۵. تقدم مصالح خانواده بر مصالح فردی

یکی از اصول و مبانی حقوق خانواده در اسلام اصل گذشت و اغماض در مواردی است که مصلحت عمده تری چون حفظ کیان خانواده مطرح است. بالاترین حد سازش و گذشت پس از پیوند ازدواج این فرموده قرآن است: فان کرهتموهن فعسى ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فیه خیراً کثیراً (نساء، ۱۹). اگر بدلالی از همسران و زنان خود رضایت کامل ندارید، ولی بخاطر مصالح خانواده و ارج گذاشتن به این پیوند، در حفظ این بنا می‌کوشید و کانون گرم خانواده را ویران نمی‌کنید و شیوه سازش و معاشرت احسن را رعایت می‌کنید، خداوند به جبران این عمل، خیر و برکات فراوان نصیب شما می‌گرداند که از آن جمله اعطای فرزندان صالح و شایسته و برکات دیگر می‌باشد.



۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir



۱. پذیرش گفته و امر یکدیگر آنگاه که گفته و دستوری نیکو باشد.

۲. هر یک با نیکویی دیگری را فرا خواند.

۳. با هم مشاوره کنند.

در مجمع البیان معنای چهارمی نیز ذکر شده است که: «کار تربیت و تغذیه فرزند را با همکاری و تدبیر و شایستگی به انجام برید که عواطف مادری از میان نرود...». در هر چهار معنا، حد مشترکی وجود دارد و آن احترام به شخصیت زن و رایزنی با او و احترام به نظر او در مسائل مربوط به خانواده و فرزندان است؛ در واقع این آیات، تفکر غلط پدر سالاری یا مرد سالاری و تحمیل یک رأی و نظر و اعمال سلیقه را نفی می‌کند و زن و شوهر را به همدلی و هم رأیی ترغیب می‌کند.

لذا در حقوق مدنی نیز ماده ۱۱۰۴ به این موضوع اشاره دارد که: «زوجین باید در تشبید میانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.»

#### ۶- آثار حقوقی

انفاق، تکلیفی است از طرف مرد در قبال اطاعت زن از شوهر یا تمکین وی که بر اثر زوجیت به وجود آمده و به طور اصولی با زوال زوجیت، تعهد طرفین هم از بین خواهد رفت. مواردی که با انحلال نکاح تکلیف به نفقه ساقط می‌شود، شامل طلاق، فسخ نکاح، فوت همسر است [۲۱]

ضمانت اجرای مدنی در حقوق اسلام و ایران برای تعهد به انفاق شوهر، دو نوع ضمانت اجرای مدنی و کیفری وجود دارد که مختصراً بیان می‌گردد. تدوین کنندگان قانون

در آیه به صراحت آمده با برابری حقوق زن و مرد و کرامت انسانی زن ناسازگار می‌باشد. در حالیکه با بررسی دقیق و همه جانبه که شامل محورهای چندی است، می‌توان دریافت که آنچه در آیه آمده نه تنها علیه حق و کرامت انسانی زن نیست، بلکه در جهت پاسداشت و حمایت از حق وی است. اینجاست که ارزیابی واژگان آیه و نیز مفاهیم مرتبط با فرهنگ قرآنی ضروری می‌نماید.

#### ۵-۵. تاکید بر مشورت در خانواده حمایت از زوجه

در اسلام مشاوره بعنوان معیاری برای رشد، شناخت و گسترش بصیرت مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. همانطور که خداوند بعنوان اصلی کلی خطاب به پیامبر می‌فرماید: «و شاورهم فی الامر» (آل عمران، ۱۵۹). در آیاتی از قرآن به مشورت میان زن و مرد در خانواده نیز اهمیت داده شده است:

فان ارادا فصلاً عن تراض و تشاور فلا جناح علیهما... (بقره، ۲۳۳) «اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مسؤلیت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند، مرتکب گناهی نشده‌اند...» توجه به اصل قرآنی «تشاور»، که به عنوان اصلی در خانواده مطرح گردیده است، مدیریت مشترک زن و شوهر را تبیین می‌کند. گرچه کارهای خانه بر اساس تقسیم کار باید صورت گیرد، لیکن مدیریت کلی آن با رایزنی و همفکری مرد و زن است.

در آیه دیگری در این زمینه می‌فرماید: و اتمروا بینکم بالمعروف... (طلاق، ۶۰) «با یکدیگر به شایستگی و نیکی رایزنی و همدلی کنید.»

برای جمله «اتمروا بینکم» سه معنا ذکر شده است:



۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

MCIH-conf.ir



اما مطابق ماده ۱۲۰۵ ق.م. مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ تنها با اجازه دادگاه چنین حقی برای مستحق نفقه اعم از زوجه و اقارب می‌باشد، البته به شخص ثالث همچنین اجازه داده شده از طرف غایب یا مستنکف به عنوان قرض، نفقه را به مستحق آن بپردازند و از این طریق با فرد مزبور رابطه حقوقی پیدا کنند تا بتوانند از او مطالبه کنند. این ماده مقرر می‌دارد:

«در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده اوست، ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقة به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌تواند نفقه را به عنوان قرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نماید.»

#### ۶-۲. الزام به طلاق

اگر زوج از دادن نفقه زوجه استنکاف نماید، طبق قانون زوجه حق دارد برای طلاق به دادگاه رجوع کند. اما اگر زوج از دادن نفقه عاجز باشد نظرات متفاوتی ارائه شده که در ذیل بیان می‌گردد:

#### الف) استنکاف زوج

مدنی ایران به تبعیت از فقه امامیه، جهت ضمانت اجرای مدنی نفقه، دو شیوه الزام به پرداخت و طلاق را مقرر داشته‌اند.

#### ۶-۱. الزام به پرداخت

در صورت استنکاف شوهر از پرداخت نفقه که از مصادیق نشوز زوج می‌باشد، زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه، شوهر را ملزم به پرداخت آن نماید و این مورد اتفاق فقه ای امامیه [۲۲] ماده ۱۱۱۱ ق.م. درباره ضمانت اجرای الزام به پرداخت نفقه بیان می‌کند: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند و در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». این سؤال مطرح می‌شود که آیا زن می‌تواند در صورت غیبت شوهر یا استنکاف شوهر از پرداخت نفقه، از اموال شوهر برداشت نماید؟

پیامبر(ص) در این رابطه می‌فرماید: زن چنین اختیاری را داراست. این کلام را پیامبر زمانی فرمودند که زن ابوسفیان نزد ایشان آمد و از عدم پرداخت نفقه کامل و در شأن او توسط ابوسفیان، شکایت نمود، پیامبر فرمود آنچه که در شأن خود و فرزندان است می‌توانی از اموال او برداشت نمایی. (همان: ۳۰۲) البته می‌توان مدعی شد، پیامبر اکرم(ص) حکم کلی بیان نفرموده‌اند، لذا نمی‌توان از این مورد خاص یک قاعده کلی را استنباط نمود که زن بدون اجازه حاکم می‌تواند نفقه خویش را برداشت نماید و پیامبر اکرم(ص) به عنوان حاکم شرع چنین اجازه‌ای به همسر ابوسفیان داده است.



ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir



احکام ماده ۱۱۲۸ ق.م. می‌گردد؛ به عبارت دیگر از موارد تدلیس و تخلف وصف است و زوجه حق خیار فسخ خواهد داشت. بنابر این می‌تواند به دادگاه مراجعه نموده و دادگاه نکاح آنان را فسخ نماید» [۲۶] اما چنانچه زوج هنگام ازدواج قادر به پرداخت نفقه بوده، سپس به عللی معسر شود، فقها نظرات متفاوتی اظهار داشته‌اند:

اکثر فقها معتقدند زن باید تحمل کند، حق فسخ و حق مراجعه به حاکم جهت فسخ آن ندارد

یکی از فقهای معاصر با تفکیک بین عجز ابتدایی و عجز عارضی هر دو قسم را مجوز طلاق دانسته‌اند و معتقدند: «قدرت بر نفقه، شرط در صحت نکاح نیست پس هنگامی که زن با مردی که ناتوانی اقتصادی دارد، ازدواج کند یا این که ناتوانی، پس از عقد عارض شود. زن اختیار فسخ نکاح را توسط خودش و حاکم ندارد. اما او می‌تواند به حاکم رجوع کند و حاکم زوج را اجبار به طلاق کند و اگر طلاق نداد. حاکم می‌تواند طلاق دهد» بنابراین، زن حق فسخ ندارد؛ بلکه می‌تواند به حاکم مراجعه کند تا حاکم زوج را الزام به طلاق کند و اگر طلاق نداد، خود اقدام به طلاق نماید. [۲۴]

#### نتیجه گیری:

با توجه به مطالبی که در این مقاله ذکر کردیم نتیجه می‌گیریم:

که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند، و همه از فرصت‌های مساوی در جامعه برخوردار هستند. همچنین مربوط به عدالت و تقسیم مسئولیت‌ها است؛ هم در جامعه و هم در خانواده. اگر جنسیت مانع از آن شود که ما بتوانیم نقاط قوت و ضعف فرد را ببینیم، این امر می‌تواند

اصل وجود چنین ضمانتی در قرآن و روایات به صراحت بیان شده است: «فامساک بمعروف اوتسریح باحسان»<sup>۵</sup>. زنان را با نیکی نگهداری کنید یا آنها را با احسان رها کنید. در روایت صحیح از امام محمد باقر(ع) آمده است: «من کانت عنده امرأة فلم یکسها ما یواری عورتها و یطعمها صلبها کان حقاً علی الامام ان یفترق بینهما»، [۲۳] مردی که دارای همسر است و غذا و پوشاک او را نپردازد بر امام لازم است آنها را جدا کند (طلاق بدهد). از این رو اگر امکان الزام شوهر به پرداخت نفقه وجود نداشت و دادگاه نیز دسترسی به اموال شوهر نداشته باشد، دادگاه زوج را اجبار به طلاق می‌کند و اگر زوج طلاق ندهد، دادگاه راساً به ولایت از ممتنع، زن را طلاق می‌دهد، در این حال فرقی بین زوج حاضر و غایب نیست [۲۴]

#### ب) عجز زوج

اکثر فقهای شیعه تمکن از نفقه را شرط صحت ازدواج نمی‌دانند. در مقابل بعضی از فقها از جمله شیخ صدوق، شیخ مفید و ابن زهره به خاطر صدق کفو شرعی، آن را شرط قرار داده‌اند [۲۵] اما این که در صورت عجز شوهر از پرداخت نفقه حکم مساله چیست؟ برخی از حقوق دانان اظهار می‌دارند: «چنانچه زوجه با توجه به عدم تمکن مالی شوهر مبادرت به نکاح نماید، بی‌تردید حق هیچ‌گونه شکایت و اعتراض نخواهد داشت، زیرا خود به این ضرر اقدام نموده است؛ اما اگر زوج در هنگام ازدواج اظهار تمکن و یسار نماید و پس از آن معلوم گردد که از ادای نفقه از همان اول عاجز بوده، به نظر می‌رسد داخل در

<sup>۵</sup>- سوره بقره، آیه ۲۲۹

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCI-Iran

[۶] ابن بابویه القمی، ابو جعفر محمد (۱۴۰۸ هـ). علل الشرایع، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات

[۷] عبدی پور، ابراهیم (۱۳۸۸). «تعدد زوجات». فقه و حقوق، س ۵، ش ۲۰.

[۸] بشری، سارا (۱۳۹۶). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان از منظر فقهی و حقوقی

[۹] نجاریان، فرزانه (۱۳۷۵). «عوامل مؤثر در کارایی خانواده، (بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی.

[۱۰] اعزازی، شهلا (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

[۱۱] امامی، سید حسن (۱۳۷۰). «حقوق مدنی». تهران، انتشارات اسلامی، چاپ ششم.

[۱۲] جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۵). ترمینولوژی، حقوق. تهران، نشر گنج دانش، ص ۷۰.

[۱۳] مغنیه، محمد جواد، ۱۹۸۲ م، فقه الامام جعفر الصادق (ع)، ج ۵ و ۶، چاپ چهارم، بیروت، لبنان دارالجواد، ۱۴۰۲ هـ. ق.

[۱۴] ساکت، محمد حسین، ۱۳۶۵ ش، نهاد دادرسی در اسلام، انتشارات آستان قدس.

[۱۵] هیوود، اندرو (۱۳۸۷). کلید واژه‌های سیاست و حقوق عمومی. ترجمه اردشیر امیر ارجمند، تهران، انتشارات امیرکبیر.

[۱۶] وفایی صدر، فاطمه (۱۳۹۵). استنباط مبانی کلامی الگوی اجتماعی زن مسلمان. ناشر روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده، تهران، چاپ اول، ص ۵۰.

[۱۷] قیّم، عبدالنبی (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر عربی - فارسی تهران. تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ص ۱۱۳۳.

[۱۸] موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷). تحریرالوسیله. قم: جامعه مدرسین، جلد ۲، ص ۳۱۵.

[۱۹] آصفی، محمد مهدی (۱۳۸۸). زن و ولایت سیاسی و قضایی. گنجینه معارف، فصلنامه فقه و اهل بیت فارسی، شماره ۴۲.

[۲۰] رشید رضا، محمد (۱۳۶۸). تفسیر المنار، لبنان، دار المعرفه، جلد ۱۲.

[۲۱] سرخسی، شمس‌الدین: «المبسوط»، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.

[۲۲] نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶). «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، تهران، المكتبة الاسلامیة، چاپ دوم.

به تبعیض و فرصت‌های محدود برای فرد منجر شود. همچنین برابری جنسیتی به باوری گفته می‌شود که هدفش عموماً حذف نابرابری‌های جنسیتی، تبعیض جنسیتی، نقش جنسیتی، مردسالاری، زن‌سالاری و جنسیت‌گرایی است برابری جنسیتی سلامت مردان را افزایش می‌دهد. مردان در کشورهایی با شکاف جنسیتی کمتر، نرخ مرگ‌ومیر پایین‌تری دارند و کمتر به افسردگی و بیماری‌های قلبی-عروقی مبتلا می‌شوند. آنها روابط جنسی محافظت شده‌تری دارند و رفتارهای خشن کمتری از خود بروز می‌دهند. بنابراین عدالت جنسیتی یعنی: تساوی به اقتضای عدل اجتماعی؛ به بیان دیگر: هر صاحب حقی به حق خود و به اندازه وسع خود بشود و نتیجه می‌گیریم طبق گفته اسلام که از همان ابتدا با توجه به تناسب ساختار زن و مرد برای هر یک تکالیفی تعریف و حقوقی هم در نظر گرفت و در خصوص برتری هم فرمود، نزد خداوند برتر کسی است که با تفاوت باشد، یعنی جنسیت عامل برتری نیست بلکه شرط برتری چیز دیگری است.

## منابع:

[۱] اصغری، سید محمد (۱۳۸۸). عدالت و تعریف ویژه آن در نگرش فقهی و حقوقی. مجله دانشنامه (واحد علوم و تحقیقات)، شماره ۳، ص ۲۷-۴۲.

[۲] کدیور، محسن (۱۳۹۶). «آرمان شهر: عدالت مساواتی به جای عدالت استحقاقی». تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۹/۲۰ در سایت: [www.kaivar.com](http://www.kaivar.com)

[۳] آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان». در: <http://wrc.ir/scholar/view/18403> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۶/۰۵/۱۰).

[۴] میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۲). تحلیل عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی، اخلاقی و اقتصادی خانواده. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱.

[۵] ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

- [۲۳] حر عاملی، محمدبن حسن: «وسایل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم، ۱۳۹۳ق.
- [۲۴] خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). «منهاج الصالحین، المعاملات». قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.
- [۲۵] نجفی، محمد حسن (۱۳۶۶). «جواهر الکلام فی شرح شرایع‌الاسلام». تهران، المكتبة الاسلامیة، چاپ دوم.
- [۲۶] محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴). «بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن». انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم.